اخبار

سرلشکر موسوی:

بسیج محور کشف فرصت‌های راهبردی در کشور است

رئیس ستادکل نیروهای مسلح با بیان اینکه بسیج محوری‌ترین حرکت انقلاب اسلامی به سمت آرمان‌ها و زمینه‌ساز ظهور تمدن نوین اسلامی است، گفت: بسیج همـــواره از بدو پیروزی انقلاب تاکنـــون در عرصه‌های مختلف بالندگی و اقتدار کشـــور حضوری ســـرافرازانه داشته است.

امیر سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی با حضور در سازمان بسیج مستضعفین و بازدید از این سازمان اظهار داشت: بســـیج یادگار ارزشمند و مقدس حضرت امام خمینی(ره) و از ثمرات گرانبهای انقلاب اسلامی است که برکات آن در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را در بر گرفته است.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح ضمن ابراز خداقوت و قدردانی از زحمات و تلاش‌های جهادی و فعالیت‌های خالصانه بسیجیان در ایام جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، ضمن افتخار به بسیجی بودن خود، برای شهیدان والامقام بسیج آرزوی علو درجات از درگاه خداوند متعال کرد.

سرلشکر موسوی در جمع بسیجیان بصیر و انقلابی اظهار داشت: بسیج همواره از بدو پیروزی انقلاب تاکنون در عرصه‌های مختلف بالندگی و اقتدار کشور حضوری ســـرافرازانه و مخلصانه داشـــته و پرچمدار و میدان‌دار نیازهای کشور در عرصه‌های مختلف بوده است.

وی بـــه جایـــگاه رفیع و والای این نهـــاد مقدس در جمهوری اسلامی اشاره کرد و افزود: بسیج محوری‌ترین حرکت انقلاب اسلامی به‌ســـمت آرمان‌ها و زمینه‌ساز ظهور تمدن نوین اســـلامی است که ان‌شاءالله با تلاش خستگی‌ناپذیر و جهادی و حضور هوشیارانه و آمادگی روزافزون بســـیجیان سرافراز و دلاور در دوران زعامت و فرماندهی فرمانده معزز کل قوا حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی به منصه ظهور خواهد رسید.

■■■

بیانیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران درباره تحولات منطقه قفقاز

وزارت امور خارجه درباره تحولات منطقه قفقاز بیانیه صادر کرد.

متن بیانیه به شرح زیر است:

جمهوری اســـلامی ایران با دقت روندهای جاری در منطقه قفقاز جنوبی را دنبال می‌کند و با هر ۲ کشـــور همســـایه، جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان، درباره این تحولات در ارتباط است.

بـــدون تردید صلح و ثبـــات در منطقه قفقاز به نفع همه کشورهای منطقه است. جمهوری اسلامی ایران با استقبال از نهایی شدن متن توافق صلح توسط ۲ کشور، این تحول را گامی مهم در تحقق صلح پایدار در منطقه ارزیابی می‌کند.

در عین حال نگرانی خود را از پیامدهای منفی هرگونه مداخله خارجی به هر شیوه و شکلی، بویژه در مجاورت مرزهای مشترک که مخل امنیت و ثبات پایدار منطقه باشد ابراز می‌دارد.

جمهوری اســـلامی ایران ضمن تاکید بر اتخاذ تمام تدابیر سیاسی، حقوقی و اقتصادی برای تأمین حقوق و منافع ملی خود، باور دارد ایجاد مســـیرهای ارتباطی و رفع انسداد شـــبکه‌های مواصلاتی زمانی در خدمت ثبات، امنیت و توسعه اقتصادی ملت‌های منطقه خواهد بود که در چارچوب منافع متقابل، رعایت حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشـــورهای منطقه و بدون مداخلات خارجی باشد.

جمهوری اســـلامی ایران آماده تداوم همکاری‌های سازنده و مبتنی بر منافع متقابل با هر ۲ کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان برای صیانت از صلح و ثبات و توسعه اقتصادی منطقه از طریق همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای، همچون سازوکار ۳+۳ است.

■■■

استاندار تهران:

نیمی از اتباع غیرمجاز ساکن تهران هستند

استاندار تهران گفت: در ۱۰۰ روز گذشته بیش از یک میلیون اتباع غیرمجاز در سطح کشور و ۴۵۰ هزار نفر از استان تهران به افغانستان بازگردانده شدند.

محمدصادق معتمدیان در نشســـت با خبرنگاران و اصحاب رسانه گفت: یکی از مسائلی که امروز به عنوان یکی از اولویت‌های دولت چهاردهم به حســـاب می‌آید ساماندهی اتباع خارجی است. از ابتدای دولت، در استان تهران به دلیل اینکه ۵۰ درصد اتباع خارجی کشور در این استان اقامت دارند، فرآیند شناسایی انجام گرفته و کسانی که غیرمجاز هستند شناسایی شدند و محترمانه به مبادی مرزی در مرزهای مشترک با افغانستان منتقل و به کشورهای خود بازگشت داده شدند. سال گذشته بیش از ۶۰۰۰ کلاس درس در استان تهران متعلق به بیش از ۲۲۰ هزار دانش‌آموز اتباع خارجی بوده است و امسال خانواده‌هایی که مجاز هستند می‌توانند فرزندان خـــود را در مدارس ثبت‌نام کننـــد؛ این یعنی ظرفیت آموزشی بدون اینکه ما بخواهیم مدرسه بسازیم خالی شده و در اختیار دانش‌آموزان خود ما قرار گرفته است.

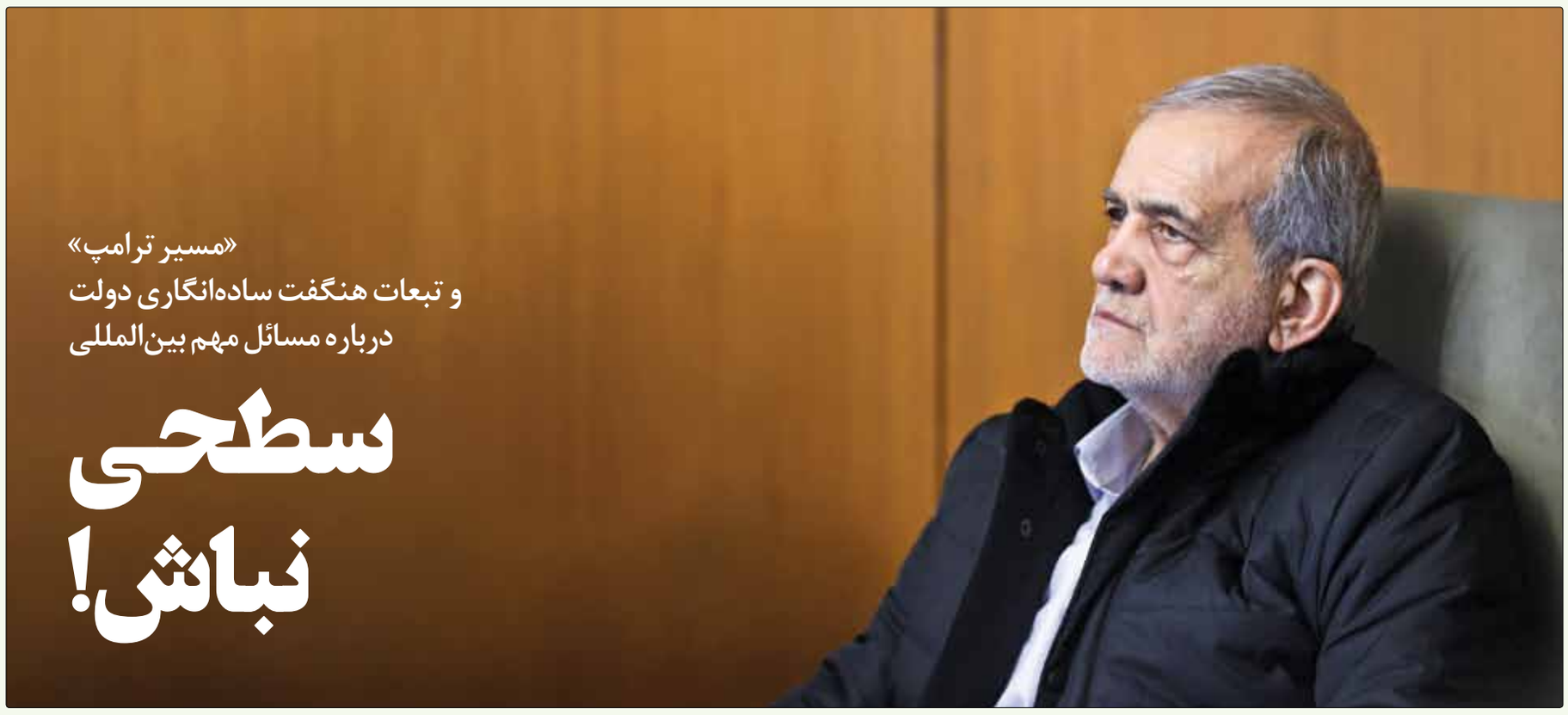

«مسیر ترامپ»
و تبعات هنگفت ساده‌انگاری دولت
درباره مسائل مهم بین‌المللی

سطحی نباش!

جمهـــوری آذربایجان و ارمنســـتان در واشـــنگتن، با میانجی‌گری ترامپ توافقنامه صلـــح امضا کردند. نکته خطرناک در این توافقنامه که منافع ژئوپلیتیک و امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند، بندی اســـت که به کریدور زنگزور اشاره دارد.

به گزارش «وطن امروز»، باکو طی یک دهه گذشـــته و به صورت ویژه پس از جنگ دوم قره‌باغ و بازپس‌گیری بخشی از خاک خود از ارمنستان، از ایده خود برای ایجاد یک کریدور برای اتصال مستقیم به جمهوری نخجوان خبر داده بـــود. در طرح باکو، این کریدور که بعدها به کریدور زنگزور معروف شد، از جنوب ارمنستان کشیده می‌شد. ارتباط باکو با نخجوان طی دهه‌های اخیر از طریق شمال ایران فراهم شده بود و ایران در همه این سال‌ها با تعامل و حسن‌نیت، ارتباط جمهوری آذربایجان با نخجوان را میسر کرده بود. به همین خاطر، مشخص بود پشت ایده کریدور زنگزور، چیزی مهم‌تر از اتصال مستقیم خاک جمهوری آذربایجان به نخجوان بود. برخی اهداف پنهان این ایده، شامل تغییر جغرافیای منطقه، حمل‌ونقل انرژی از دریای خزر به ترکیه و ســـپس اروپا با هـــدف دور زدن و حذف ایران از معادلات انرژی منطقه، تأثیرگذاری بر کریدورهای شرق به غرب و تلاش برای کشیده شدن این کریدور از آذربایجان به ترکیه و حذف ایران از آن، زمینه‌سازی برای ورود ناتو به منطقه، قطع یا اخلال در ارتباط زمینی ایران و ارمنســـتان و به تبع آن اخلال در ارتباط ایران با اروپا، پیگیری پروژه تورانی اردوغان برای تشکیل جغرافیای ترک و نهایتا بسترسازی برای تهاجمات فرهنگی علیه ایران از جمله توسعه گرایشات پان‌ترکی در شمال و شمال غرب ایران است.

از همین رو ایران از ابتدای طرح این ایده توسط باکو، بشدت با آن مخالفت کرد. از سوی دیگر از آنجا که ایده اولیه برای این کریدور اشـــغال بخشی از خاک ارمنستان بود؛ دولت پاشینیان از ایران خواست مانع این اقدام الهام علی‌اف شود. مخالفت ایران با این پروژه به قدری جدی بود که در مقاطعی که احتمال داده می‌شد باکو اقدامات نظامی را برای تحقـــق این کریدور انجام دهد، نیروهای نظامی ایران در مرز با جمهوری آذربایجان مستقر شدند تا در صورت اقدام اشتباهی توسط علی‌اف، ایران فورا اقدام نظامی خود را آغاز کند. تحرکات ایران باعث عقب‌نشینی رژیم باکو شد. به همین دلیل طی یک سال اخیر اخباری مبنی بر تلاش علی‌اف برای کشاندن پای آمریکا به این موضوع منتشر شد. در واقع علی‌اف به دنبال این بود تا با وارد کردن آمریکا به ماجرای کریدور زنگزور، امنیت لازم را برای این ایده فراهم کند.

نکته مهم درباره این ایده، بی‌عملی روســـیه و انفعال عجیب آن بود. در حالی که روسیه پس از فروپاشی شوروی، منطقه قفقاز جنوبی را بخشی از جغرافیای نفوذ و عمق ژئوپلیتیک خود، یا به تعبیر دقیق‌تر، حیاط خلوت خود می‌دانست اما به بهانه گرایشات غرب‌گرایانه دولت پاشینیان در ارمنستان، روسیه تحرکات لازم را برای جلوگیری از ایده خطرناک علی‌اف و وارد کردن ناتو و آمریکا به حیاط خلوت خود انجام نداد. بی‌عملی مسکو باعث شد عزم باکو برای تحقق این ایده جزم و پاشینیان نیز نسبت به آن راغب شود.

طی روزهای اخیر اخباری درباره حضور رئیس‌جمهور آذربایجان و نخست‌وزیر ارمنستان در واشنگتن برای امضای توافقنامه صلح منتشر شد. در این میان آنچه برای ایران نگران‌کننده بود؛ برخی اخبار غیررسمی مبنی بر موافقت ارمنســـتان با واگذاری کریدور زنگزور به آمریکا به مدت ۱۰۰ سال بود.

شـــامگاه جمعه به وقت تهران، ترامپ در کاخ سفید، میزبان علی‌اف و پاشینیان بود و توافقنامه صلح میان این ۲ کشور و آمریکا به عنوان شاهد امضا شد. در بند ۴ این توافقنامه نیز، موضوع کریدور زنگزور درج شـــد. البته در این توافقنامه و ظاهراً با پیشنهاد نیکول پاشینیان، اسم کریدور زنگزور به مســـیر ترامپ تغییر یافت. متن بند ۴ توافقنامه صلح میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان به این شرح است:

«جمهوری ارمنســـتان بـــا ایالات متحـــده آمریکا و طرف‌های سوم توافق، همکاری خواهد کرد تا چارچوبی بـــرای پـــروژه اتصال «مســـیر ترامپ برای صلـــح و رفاه بین‌المللی» (TRIPP) در قلمرو جمهوری ارمنســـتان تعیین شـــود. ما عزم خـــود را برای پیگیری این هدف با حسن نیت و به سریع‌ترین روش ممکن تأیید می‌کنیم».

اگرچه در این بند واگـــذاری کریدور به دولت آمریکا صراحتا قید نشده است اما ادبیات آن به گونه‌ای است که این موضوع را تقویت می‌کند. دولت ارمنستان در این بند متعهد شده است با آمریکا همکاری می‌کند تا چارچوب این کریدور تعیین شود. از این رو، درج این بند در توافقنامه صلح میان طرفین، زمینه دخالت و حضور آمریکا در منطقه قفقاز جنوبی بویژه در مرزهای شمال ایران را فراهم می‌کند. برخی اخبار منتشرشده در رسانه‌های آمریکایی حاکی است ترامپ می‌خواهد مدیریت کریدور را به یک شرکت امنیتی خصوصی واگذار کند.

■ **فهرست طولانی تبعات یک کریدور ۱۰۰ کیلومتری**

به اعتقاد کارشناسان، تحقق این کریدور و واگذاری آن به دولت آمریکا، تبعات سنگینی برای ایران خواهد داشت. حضور نظامی آمریکا در مرزهای شمال ایران یکی از این تبعات است. در حالی که محور استراتژی ایران در غرب آسیا، اخراج نظامیان آمریکایی از منطقه است، حالا الهام علی‌اف زمینه را برای حضور نظامیان آمریکایی در نقطه صفر مرزهای شمال ایران فراهم کرده است.

مورد دوم این اســـت که این کریدور اتصال مســـتقیم آسیای میانه تا ترکیه را فراهم می‌کند و این موضوع باعث حذف ایران از مناسبات اقتصادی منطقه، بویژه در حوزه انرژی می‌شود.

یکی دیگر از تبعات این کریدور، احتمال تغییر مسیر کریدورهای بسیار مهم و حیاتی شرق به غرب است. ایران طی سال‌های اخیر تلاش فراوانی کرد تا مقامات پکن را متقاعد کند با توجه به صرفه‌های اقتصادی، این مسیرها از خـــاک ایران عبور کند. بویژه مســـیری که قرار بود از آسیای میانه عبور کرده، وارد ایران شده و از خاک ایران به ترکیه برسد. با این حال، کریدور زنگزور یا همان مسیر ترامپ، در واقع زمینه را برای حذف ایران از این کریدور مهـــم فراهم می‌کند؛ موضوعی که در صورت تحقق آن، آســـیب‌های هنگفت و طولانی‌مدتی برای اقتصاد ایران خواهد داشـــت. یکی دیگر از تبعات این کریدور، تقویت شیطنت‌های فرهنگی بویژه پان‌ترکی است؛ موضوعی که طی سال‌های اخیر با حمایت‌های مستقیم الهام علی‌اف در شمال ایران کلید خورده و با وجود عدم اقبال عمومی مردم استان‌های آذری‌نشین نسبت به آن اما همواره موجب ایجاد مزاحمت‌هایی برای انسجام و همبستگی ملی می‌شود.

اینها برخی تبعات کریدور مذکور برای منافع و امنیت ملی ایران اســـت. البته باید گفت موارد بسیار خطرناک دیگری نیز وجـــود دارد که از تقاطع‌گیری همین موارد ذکرشـــده می‌توان به آنها پی برد. ترکیب حضور نظامی آمریکا، منافع اقتصادی و فعالیت‌های فرهنگی ضدملی علیه ایران، نگرانی‌هایی جدی ایجاد کرده است که قطعا مورد توجه نهادهای امنیتی است.

بـــه هر حال همان‌گونه که از ابتدا ایده این کریدور در تقابل با ایران تلقی می‌شد، اکنون الهام علی‌اف نشان داد پیش‌بینی‌های کارشناسان در ایران کاملا درست بوده است و ماهیت این کریدور، تقابل مستقیم با جمهوری اسلامی ایران است. موضوعی که باعث می‌شود از هم‌اکنون اقدامات لازم و ضروری برای مقابله با آن و خنثی‌سازی توطئه‌های مستتر در آن انجام شود. ایران ظرفیت‌ها و برگ‌های زیادی دارد تا مانع تحقق اهداف ضدامنیتی این پروژه الهام علی‌اف شود؛ برگ‌هایی که باید مراقب بود توسط برخی دیدگاه‌ها و ذهنیت‌های آلوده به حاشیه برده نشود.

■ **امان از سطحی‌نگری!**

طی ســـال‌های اخیر، یکی از نگرانی‌های جدی درباره تحرکات ضدایرانی الهام علی‌اف، تخفیف این دشـــمنی و ســـطحی‌نگری در قبال آن در داخل ایران بوده اســـت. متاسفانه یک دیدگاه ساده‌انگارانه و خوش‌باورانه در ایران نسبت به تحرکات ضدایرانی الهام علی‌اف وجود دارد که دقیقا در بزنگاه‌های حساس و مهم، برجسته می‌شود. البته در نهایت این سطحی‌نگری‌ها نتوانسته مانع تصمیم و اقدام به‌موقع ایران شود. کما اینکه طی چند سال اخیر، ایران با تحرکات نظامی به‌موقـــع، مانع اقدام باکو برای اجرای پروژه کریدور زنگزور شد. با این حال اما این دیدگاه‌های هزینه‌ساز، بعضا موجب اخلال در فرآیند تصمیم‌گیری یا به تعبیر بهتر، تاخیر در این فرآیندها می‌شود.

متاسفانه برخی نمودها و نفوذهای این سطحی‌نگری، اخیرا در مواضع و اظهارات رئیس‌جمهور نیز مشـــاهده شده است. به عنوان نمونه مسعود پزشکیان هفته گذشته در زنجان، اظهارات عجیبی درباره رژیم باکو به زبان آورد که موجب انتقادات گســـترده نسبت به او شد. پزشکیان در این باره گفت: «آذربایجان قوم و خویش ماســـت. اگر ما نمی‌توانیم با این کشور رابطه‌ای برقرار کنیم و اسرائیل می‌تواند، این ضعف از ســـمت ما اســـت». همان‌گونه که گفته شـــد این اظهارات پزشکیان انتقادات فراوانی را به دنبال داشـــت. به اعتقاد منتقـــدان، رئیس‌جمهور با این اظهارات نشان داد از ماهیت اقدامات علی‌اف و تحرکات ضدایرانی او بی‌اطلاع است یا تحت تاثیر تحلیل‌های غلط و خطرناک قرار گرفته است. موضوع زمانی نگران‌کننده‌تر شد که یوسف پزشکیان، پسر رئیس‌جمهور نیز در فضای مجازی کامنت‌هایی در حمایت از رژیم علی‌اف منتشـــر کرد و حتی کریدور زنگزور را موضوعی عادی و در قالب منافع ملی باکو دانست. این مواضع پسر پزشکیان باعث شـــد نگرانی‌ها درباره تأثیرپذیری از جریان‌های پان‌ترک تشدید شود. اینکه این موضوع تا چه اندازه واقعیت دارد، یک موضوع حاشیه‌ای است. آنچه در متن این ماجرا قرار دارد، سطحی‌سازی و ساده‌سازی این موضوع مهم توسط رئیس‌جمهور است.

■ **اسرائیل کم بود؛ آمریکا را هم آورد**

زمانی که مسعود پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد، درباره تاثیر این انتخاب بر مسائل اختلافی میان ایران و باکو، ۲ ارزیابی متضاد شکل گرفت. عده‌ای با خوش‌بینی معتقد بودند انتخاب پزشکیان می‌تواند ضمن به حاشیه راندن جریان‌های پان‌ترکی، در تعدیل مواضع ضدایرانـــی علی‌اف تاثیر گذاشـــته و باعث تجدیدنظر در تصمیمات و اقدامات ضدایرانی باکو شود. در مقابل، یک ارزیابی دیگر نســـبت به این موضوع ابراز نگرانی می‌کرد و معتقد بـــود حضور آقای پزشـــکیان در راس دولت به واسطه حضور و نفوذ جریان‌های پان‌ترک در اطراف وی، می‌تواند منجر به تداوم و حتی تشدید مواضع ضدایرانی الهام علی‌اف شود.

اینکـــه کدام‌یک از این دیدگاه‌ها به واقعیت نزدیک‌تر اســـت، محل بحث این نوشته نیســـت اما آنچه در عمل انجام شد و به وضوح قابل رویت است، این است که طی یک سال گذشته، رفتار رژیم باکو علیه ایران تهاجمی‌تر شـــده اســـت. در جریان جنگ تحمیلـــی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران، گمانه‌های جدی درباره اســـتفاده جنگنده‌ها و پهپادهای رژیم صهیونیســـتی از آسمان جمهوری آذربایجان برای انجام عملیات در ایران مطرح شـــد. مورد دوم نیز کشـــاندن پای آمریکا به طرح کریدور زنگزور یا مسیر ترامپ است. با وارد کردن آمریکا به این ماجرا، دشـــمنی علی‌اف با ایران کاملا واضح شده است و دیگر هیچ‌گونه توجیه یا سطحی‌نگری در تحلیل این موضوع مسموع نیست. در شرایط جنگی میان ایران و آمریکا و رژیم صهیونیستی، بررسی عملکرد رژیم باکو، پیام‌های روشنی می‌دهد.

آنچه علی‌اف دست‌کم در ۲ ماه گذشته نسبت به ایران انجام داده است، نشان می‌دهد در دستگاه محاسباتی رژیم باکـــو، کمترین نگرانی‌ای بابت واکنش تهران به اقدامات ضدایرانی او وجود ندارد.

تا اینجای کار، دست‌کم می‌توان گفت بدترین اقدامات رژیم باکو علیه ایران، در دولت آقای پزشکیان اتفاق افتاده است. این موضوع نشان می‌دهد برخلاف مسعود پزشکیان که مناسبات میان ۲ کشور را در حد روابط خویش و قومی تنزل می‌دهد، الهام علی‌اف شرایط را برای ترک‌تازی در منطقه و به چالش کشیدن منافع ایران، فراهم می‌بیند.

[ولایتی: ایران با روسیه یا بدون آن مانع کریدور آمریکایی در قفقاز می‌شود]

مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل در گفت‌وگو با تسنیم بیان کرد: مگر قفقاز جنوبی یک منطقه بی‌صاحب است که ترامپ آن را اجاره کند؟ قفقاز یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیایی دنیاست و این گذرگاه نه به دالانی در مالکیت ترامپ، بلکه به گورستانی برای مزدوران ترامپ تبدیل خواهد شد.

این کریدور موقعیت ژئوپلیتیک منطقه را تغییر می‌دهد، مرزها را جابه‌جا می‌کند و در راســـتای تجزیه ارمنســـتان طراحی شده است.

اجاره کریدور توسط یک کشور دیگر یک حرف ساده‌لوحانه است و ترامپ خودش را به ساده‌لوحی می‌زند. این ادعا، یعنی اجاره کریدور در این سوی دنیا توسط ترامپ، مثل آن است که کسی از این سوی دنیا برود و کانال پاناما را برای خود اجاره کند! این حرف غیرممکنی است و اتفاق نخواهد افتاد.

ترامپ فکر کرده است بنگاه معاملات ملکی است و می‌خواهد سرزمین یا منطقه‌ای را اجاره کند!

طرح این کریدور که تجزیه ارمنستان را در آینده در پی دارد با مخالفت محکم مردم ارمنستان روبه‌رو است. هیچ ملتی راضی و حاضر به تجزیه سرزمین خود نیست، حتی اگر دولت آنها متأسفانه مواضع بی‌ثبات اتخاذ کند.

نخست‌وزیر ارمنستان در سفری که پیش‌تر به ایران داشت، با توجه به مضرات مشخص و توطئه‌آمیزی که این طرح دارد، تأکید کرد با موضع ایران موافق و با احداث کریدور مخالف است.

با اجرای این توطئه، امنیت قفقاز جنوبی به خطر می‌افتد و بر همین اساس، ایران تأکید کرده است چه با روسیه و چه بدون روسیه، در راستای امنیت قفقاز جنوبی حرکت خواهد کرد و البته معتقدیم روسیه نیز به لحاظ راهبردی با این کریدور مخالف است.

بوی دود هور می‌آید همی

دیدگاه

زهرا محسنی‌فر

بوی دود اصولاً چیز بدی نیست، خاصه اگر از عود بلند شود. کافه‌دارها معتقدند استنشاق رایحه خوش، دل و دماغ می‌آورد. دود اســـپند که دیگر جای خود دارد. هوای خانه را پاکســـازی می‌کند و چشم حسود را می‌ترکاند. هرکس اثرات متافیزیکی و بهداشتی اسپند را انکار کند، با مادربزرگ‌ها طرف است. اگر از دود و دم سیگار و قلیان و افیون به دلیل خطرات فضانوردی فاکتور بگیریم، بعضی بوها حتی نوســـتالژی هم می‌سازند. به قول شاعر، با بوی تند ماهی دودی می‌توان خستگی را در کرد و زمستان را سر کرد؛ یعنی بوی دود، هم تأثیر بیولوژیک دارد و هم اثر اقلیمی. بوی دود حتی اگر ناخوشایند هم باشد، گاهی فایده دارد. در یک پیچ عطاری می‌خواندم عنبرنسا، جز قطع عضو، ۷۰ نوع بیماری را علاج می‌کند.

اینهـــا را گفتم که نشـــان دهم اصولاً کســـی بـــا بوی دود پدرکشتگی ندارد. اگر بو از عود و اسپند و ماهی دودی و عنبرنسا بلند شود که درآمدزایی هم دارد اما تصدیق بفرمایید فی‌المثل هیچ شوفری با بوی دود اگزوز خاور نوستالژی ندارد. یا بوی دود زباله سوخته، هیچ شهری را گندزدایی نمی‌کند. یا همه می‌دانیم بوی دود کنده درخت، برای محیط‌بانان جنگل‌های هیرکانی، زنگ خطر است. پس تا اینجا فهمیدیم بوی دود خوب داریم و بوی دودِ بد. حالا برویم ســـر اصل بحث‌مان. خوزستان واقعاً جای عجیبی است. چیزهایی در آن پیدا می‌شود که به عقل جن هم نمی‌رسد. مثلاً نصف سال هوای خوزستان را گرد و خاک گرفته و ملت با «خاک‌شش» نفس می‌کشند. بر همین اساس طبق نظریه داروین، گونه جدیدی از دوزیستان در خوزستان در حال تکوین اســـت. حتماً چیزهایی درباره باران قورباغه در آمریکا شنیده‌اید.

بهتر اســـت بدانید در خوزستان به جای قورباغه، از آسمان خاکستر می‌بارد؛ خاکستر برخاسته از سوزاندن مزارع نیشکر. از آن طرف، چپق و دودکش کارخانه‌ها و صنایع، خوزستان را شبیه قهوه‌خانه‌ای پر از دود و دم کرده و کوچک و بزرگ خوزستانی‌ها را دودی. اصولاً در خوزستان مردم بخورات و بخاراتی استنشاق می‌کنند که در ویندوز دستگاه تنفس بشر تعریف نشده. پس هر نفسی که اینجا فرومی‌رود ممکن است مُمد حیات باشد اما چون دل و روده را با سرفه برمی‌آورد، اصلاً مفرّح ذات نیست.

نی، از منظر مولوی شـــاعر پـــرآوازه ایرانی، گیاهی خودرو، احساسی و حراف است که مرد و زن در نفیرش می‌نالند اما نی در خوزستان یک گیاه خودبه‌خودسوز است که با بشکن خورشید گـــر می‌گیرد و دودش عمیقـــاً در نفیر زن و مرد فرومی‌رود؛ از آن دودهای اقلیمی آن هم از نوع بدش. در ادبیات فارسی، بوی هور یک ترکیب اضافی با حس‌آمیزی قوی است که مشابهش را رودکی برای بوی جوی مولیان ســـروده تا امیر سامانی را به بخارا مهاجرت معکوس دهد اما بوی هور در خوزســـتان، یک ترکیب سمی منفور است که شبیه عامل «شین میم ر»، مردم این ســـامان را از دست بخارات نی به استان‌های مجاور فراری می‌دهد. آن نصف ســـال بود که خوزستان درگیر گرد و خاک بود؛ آن یکی نصفه دیگر سال با بوی دود هور روزگار می‌گذراند.

نیزارهـــای هورالعظیم ۶ ماه آزگار می‌ســـوزد و دودالعظیم می‌سازد. حالا اگر خاکستر نیشکر، دود دودکش کارخانه‌ها و نیروگاه‌ها، دود مراکز زباله‌سوزی و دود اگزوز خاورها را هم به آن اضافه کنید، خوزســـتان دودستان می‌شود. اینجا مه غلیظ همیشه‌گاهی داریم.

گاهی گرد و خاک است و گاه شرجی و بعضی وقت‌ها دود هور. البته این هوای وهم‌آمیز و گنگ و خیال‌انگیز، اغلب اوقات به صورت میکس و دوبل و ترکیبی استنشاق می‌شود.

مدیونید اگر فکر کنید مسؤولان برای علاج دردهای دودی خوزســـتان دست روی دست گذاشته و راحت سرشان را روی بالش می‌گذارند. اصلاً میزان ابتلای مردم خوزســـتان به آسم و تنگی نفس و بیماری‌های جانبی، یک غصه‌ای شـــده برای مســـؤولان که نمی‌گذارد شب‌ها پلک بزنند. نمی‌بینید چطور صبح تا شـــب در صداوسیما و مطبوعات و رسانه‌ها درباره‌اش صحبـــت می‌کنند؟ حالا که بازار ناترازی‌ها گرم اســـت، خوب اســـت بدانید خوزستان سال‌هاســـت ناترازی اکسیژن دارد و جدیـــداً با بمب دودزای هورالعظیم، به ناترازی دَم و بازدم هم رسیده و همه‌اش تقصیر همین چند قلم دود بدذات و بدترکیب و غیرنوستالژیک است.

بر اســـاس ترتیب حروف الفبا هم که نـــگاه کنیم، ناترازی دود بعـــد از ناترازی انرژی و آب و برق و بنزین و بادمجان قرار می‌گیرد. حتی استان خوزستان هم بعد از تهران و اصفهان و آذربایجان و خراســـان می‌آید. پس اگر قائل به عدالت الفبایی باشیم و یک جو الفبای عدالت سرمان بشود، می‌پذیریم بحران دودالعظیم خوزستان در آخرهای صف رسیدگی مسؤولان قرار می‌گیرد. تا آن موقع، با دودهای خوب خستگی را در و تابستان را سر می‌کنیم.